

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۷، پیاپی ۱۱۷، پاییز ۱۳۹۴

نقش ابریشم گیلان در اقتصاد عصر صفوی تا پایان دوره شاه عباس اول

محمد شورمیج^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۵

تاریخ تصویب: ۹۳/۱۰/۱۵

چکیده

در دوره صفوی، به‌ویژه زمان شاه‌عباس اول، اقتصاد کشاورزی، به‌خصوص ابریشم، اهمیت زیادی داشت. ابریشم یکی از محصولات مهم و اثرگذار در اقتصاد تجاری عصر صفوی بوده و منطقه گیلان در این زمینه سهم بسزایی داشته است. هدف و مسئله اصلی این پژوهش بررسی و تبیین نقش ابریشم گیلان در اقتصاد تجاری و تحولات اقتصادی و سیاسی داخلی عصر صفوی تا پایان دوره شاه‌عباس اول است. این پژوهش در پی تأیید این فرضیه است که ابریشم، به‌عنوان یک کالای استراتژیک اقتصادی، در عصر صفوی دارای اهمیت بسزایی بوده و گیلان در این زمینه نقشی

^۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام‌نور؛ m.shoormeij9@pnu.ac.ir

تعیین کننده داشته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که به‌رغم کاربرد صنعتی ابریشم، این کالا بیشتر در قالب تجاری مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت و گیلان به دلیل تولید انبوه و مرغوب ابریشم نقش انکارناپذیری در جلب بازارهای اروپایی و تجارت‌خانه‌های آن داشت. همین امر سبب سوق داده شدن ایران و منطقه گیلان به سوی مدار سرمایه‌داری تجاری جهانی شد؛ اما تولید ابریشم نتوانست تحول عمده‌ای در رشد اقتصاد گیلان، به‌ویژه در زمان شاه‌عباس اول، بگذارد؛ زیرا بیشتر به‌عنوان یک کالای اقتصادی کنترل شده در خدمت استبداد شاهی و دستگاه مرکزی بود.

واژه‌های کلیدی: صفوی، شاه‌عباس اول، گیلان، ابریشم، اقتصاد

تجاری و سیاسی.

۱. مقدمه

در دوره صفوی به‌ویژه زمان شاه‌عباس اول، پیشرفتی نسبی در تجارت و اقتصاد شهری به‌وجود آمد. گیلان از مناطقی بود که در راستای رشد تجاری، به‌خصوص تجارت ابریشم اهمیت یافت؛ زیرا از مراکز عمده تولید ابریشم بود و ابریشم نقشی مهم در اقتصاد تجاری عصر صفوی داشت.

روش تهیه ابریشم در دوره صفوی بسیار ساده و شامل دوره‌های آماده کردن تخم برای تبدیل شدن به کرم، تغذیه کرم برای ساختن پيله، گرفتن ابریشم از پيله، انتخاب پيله‌های مرغوب برای تشکیل پروانه و تخم‌ریزی دوباره بود. سابقه تهیه آن در گیلان به زمان‌های قبل از صفویه می‌رسید. ابریشم تولیدشده در گیلان دارای درجات و انواع مختلفی بود و درجه‌بندی آن براساس نوع جنس و ارزش قیمت آن‌ها بود؛ مانند ابریشم لاهیجی (لژی) و شعربافی و... ابریشم گیلان در موارد گوناگونی کاربرد داشت که عمده‌ترین آن‌ها عبارت

بودند از: کاربرد در صنایع نساجی و تولید انواع پارچه‌های ابریشمی، مخملی و زربفت؛ تولید انواع قالی، قالیچه، البسه و پوشاک؛ تزئین اماکن و منازل؛ بافت خیمه و چادرهای بزرگان؛ پوشش زینتی اسب‌های شاهان و بزرگان.^۱

درباره پیشینه تحقیق مذکور باید گفت که در بررسی اقتصاد تجاری عصر صفوی، منابع رسمی این دوره، مانند *عالم‌آرای عباسی*، *احسن‌التواریخ* و... اطلاعات بسیار مختصری به دست می‌دهند؛ اما در سفرنامه‌ها و گزارش‌های خارجی‌ان این دوره و دوره‌های بعد، اطلاعات مفید و کاملی می‌توان یافت. کتاب‌های مطالعاتی جدید و مقالات منتشر شده از نویسندگانی چون فلسفی، ثواقب و سیوری^۲ تا پژوهشگران جدید مانند فریر^۳، مته^۴ و مک کاب^۵، اطلاعاتی کلی از ابریشم گیلان در زمان صفوی تا پایان دوره شاه‌عباس اول ارائه می‌دهند. در این پژوهش به نقش ابریشم گیلان در اقتصاد تجاری عصر صفوی و تحولات سیاسی آن تا پایان دوره شاه‌عباس اول نگاهی تخصصی شده است. همچنین، با استفاده از نمودار آماری، تأثیر ساختار سیاسی دوره شاه‌عباس اول در کاهش محصول ابریشم گیلان تبیین شده است.

فرضیه اصلی پژوهش این است که ابریشم گیلان در رشد تجارت خارجی عصر صفوی و همچنین در برخی از تحولات سیاسی گیلان اثرگذار بوده است؛ اما در تحول اساسی اقتصاد منطقه گیلان نقش چندانی نداشته و در خدمت دستگاه حکومت مرکزی بوده است. مهم‌ترین سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از: تجارت ابریشم در عصر صفوی تا پایان دوره شاه‌عباس اول دارای چه اهمیتی بوده است؟ ابریشم گیلان چه تأثیری در اقتصاد عصر صفوی داشته است؟ آیا ابریشم گیلان در تحولات سیاسی و اقتصادی داخلی حکومت

۱. برای آگاهی در زمینه نحوه پرورش کرم ابریشم در گیلان زمان صفوی ر.ک. اولثاریوس، *سفرنامه آدم اولثاریس* (بخش ایران)، صص ۲۶۶-۲۶۷. برای اطلاع از انواع ابریشم در عصر صفوی ر.ک. تاورنیه، *سفرنامه تاورنیه*، ص ۳۵؛ شاردن، *سفرنامه شاردن*، ج ۲، صص ۹۰۲-۹۰۳؛ فلور، *اولین سفرای ایران و هلند: شرح سفر موسی بیگ به هلند و سفرنامه یان اسمیت در ایران*، صص ۳۶-۳۷. در زمینه انواع پارچه‌های ابریشمی گیلان ر.ک. خودزکو، *سرزمین گیلان*، صص ۹۲-۹۳.

۲. Savory

۳. Freire

۴. Rudolph p. Matthee

۵. Ina Baghdiantz Mccabe

صفوی اثرگذار بوده است؟ در این پژوهش با روش تحقیق تاریخی و استنادی و به‌شیوه توصیفی و تحلیلی و با تبیین داده‌های تاریخی به سؤالات مذکور پاسخ داده می‌شود.

۲. پیشینه تجارت ابریشم گیلان قبل از صفویه

نام گیلان، به‌عنوان سرزمین تولیدکننده ابریشم، در نوشته‌های جغرافی‌نگارانی مانند مؤلف *حدود العالم من المشرق الی مغرب* (۱۳۶۲: ۱۴۳) و *زکریای قزوینی* (۱۳۶۶: ۱۲۸) آمده است. تا سده هفتم هجری ابریشم خام گرگان و طبرستان (مازندران) بهتر از گیلان به‌شمار می‌آمد. یاقوت حموی مقارن این ایام راجع به ابریشم لاهیجان می‌نویسد: «ابریشم آن مرغوب نیست» (۱۹۵۷: ۹/۵). در طی سده هفتم جنس ابریشم گیلان تاحدی بهبود یافت (Petrushevsky, 1968, 5/504). شاید نژاد جدیدی از کرم ابریشم را پرورش دادند که مورد توجه سیاحان و تاجران مختلف قرار گرفته بود (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۱/۳۰۹-۳۱۰). پس از شهرت ابریشم گیلان، مردم اروپا و آسیا برای خرید ابریشم به گیلان روی آوردند و این ایالت نقش مهمی در تجارت ایران ایفا کرد. حمدالله مستوفی (۱۳۸۱: ۲۳۱) در قرن هشتم هجری از چهار شهر گیلان-تولم، رشت، فومن و لاهیجان- نام برده و در بیان محصولات هر چهار شهر، به ابریشم اشاره کرده است. ابریشم در عهد مغول ثروتی گرانبها بود و قسمتی از مالیات جنسی گیلان با این محصول پرداخت می‌شد (اقبال، ۱۳۶۵: ۵۵۹). مارکوپولو^۱ (۱۳۶۳: ۳۶) در این دوره، از ابریشم خام گیلان به نام «گله» یا «گیله» یاد می‌کند. در عصر تیموری، گونسالس دکلاویخو^۲، فرستاده پادشاه اسپانیا به دربار تیمور، در سفرنامه خود درباره ابریشم گیلان می‌نویسد: «همه‌گونه ابریشم از گیلان [...] تهیه می‌شود و به این شهر (سلطانیه) حمل می‌گردد. ابریشم گیلان از سلطانیه به دمشق و دیگر قسمت‌های سوریه و عثمانی صادر می‌شود» (۱۳۶۶: ۱۶۸). جوزافا باربارو^۳ (۱۳۴۹: ۹۲)، سفیر ونیز که در دوره اوزون‌حسن آق‌قوینلو به ایران آمد، گزارش می‌دهد که در طول کرانه دریای

1. Marco polo

2. Clavijo

3. Jiosafa Barbaro

خزر شهرهای بسیاری را دیده است که بهترین پارچه‌های ابریشمی را می‌بافتند؛ بدون شک گیلان در زمره این مناطق بوده است.

با رونق یافتن مناسبات بازرگانی ایران و اروپا بعد از دوره ایلخانان، بازرگانان کشورهای مختلف از جمله اروپاییان به ایران آمدند و از کالاهای مورد توجه آنها می‌توان به ابریشم، فرآورده‌های ابریشمی (منسوجات)، قالی و قالیچه ابریشمی اشاره کرد. طبیعی است که یکی از نواحی مورد نظر آنان، گیلان بود. مارکوپولو، سیاح ایتالیایی (۱۳۵۰: ۲۵؛ ۱۳۶۳: ۳۵-۳۶)، که در اواخر سده هفتم هجری در ایران به سیاحت پرداخت، از تاجرهای جنوایی سخن می‌گوید که در آن عهد در دریای خزر کشتیرانی می‌کردند. به گفته او آنها با ایران روابط تجاری مهم داشتند و با اهالی گیلان معامله ابریشم می‌کردند. این بازرگانان با دایر کردن خط کشتیرانی در نظر داشتند ابریشم شمال ایران و چین را از طریق رود دن و ولگا به اروپا حمل کنند. ژنی‌ها هم طرحی برای صادرات ابریشم گیلان از راه دریای خزر ریخته بودند (گابریل، ۱۳۸۱: ۵۶-۵۷؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۱/۱۱۳). هدف بازرگانان ایتالیایی در مرحله اول خرید ابریشم چین و سپس ابریشم ایران به‌ویژه نواحی شمالی بود. گویا ابریشم چین، هم از لحاظ نوع و هم از لحاظ قیمت، پست‌تر از ابریشم گیلان بود؛ اما چون حجم تولیدی آن زیاد بود، سودآوری داشته است (جوادی، ۱۳۷۸: ۱/۱۱۲). با اهمیت یافتن شهرهای تبریز و سلطانیه در عصر ایلخانان، ابریشم گیلان به این دو شهر وارد و از آنجا به سوریه و عثمانی صادر می‌شد (گونسالس دکلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۶۸).

۳. اهمیت تجارت ابریشم در عصر صفوی با تکیه بر ابریشم گیلان (تا پایان حکومت شاه‌عباس اول)

ابریشم ایران در عصر صفوی از مرزهای منطقه‌ای و ملی عبور کرد و در سراسر جهان آن روز در متن جریان بزرگ اقتصادی قرار گرفت و با تبدیل شدن به کالایی تجاری مهمی و ویژه یافت (Matthee, 1999: xii). ابریشم خام از طرفی به اتحاد و انسجام مناطق اقتصادی از طریق مرزهای فرهنگی و سرمایه‌داری کمک کرد و از طرف دیگر، تقابل بین بازرگانی دریایی اروپا را آشکار کرد (Ibid, 9).

به دلیل اهمیت ابریشم و فراوانی آن در گیلان، در سال ۹۷۵ق/ ۱۵۶۷م ادواردز^۱ انگلیسی به ایران آمد و مأمور خرید ابریشم گیلان شد. وی از ابریشم گیلان به تحسین یاد کرد و آن را خیلی بهتر و ارزان‌تر از ابریشم قفقاز دانست و در رشت تجارت‌خانه‌ای برپا کرد (بنجامین، ۱۳۶۹: ۳۱۳). به دنبال او، چاپمن^۲ (شاپمن) در گیلان شروع به عملیات تجاری کرد. در ادامه، آنتونی جنکینسن^۳ درصدد تجارت ابریشم گیلان از طریق دریای خزر به روسیه برآمد؛ اما به‌علت راهزنی دریایی قزاق‌ها موفقیتی به‌دست نیاورد (Savory. R. M, 1995: 772).

در زمان شاه‌تهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ق)، ایرانیان پارچه‌های ابریشمی و کتان به روسیه صادر می‌کردند و به جای آن ظروف روسی، پوست خام و غلام می‌گرفتند (فریر، ۱۳۸۰: ۲۲۰). در این زمان بخشی از ابریشم ایران به‌منظور استفاده در صنایع ابریشمی به عثمانی صادر می‌شد و بخشی دیگر را تجار ونیز به بازارهای اروپا صادر می‌کردند (همان، ۲۳۰). ابریشم ایالات شمالی ایران به‌ویژه گیلان، مواد خام مراکز عمده بافندگی یزد، کاشان و کرمان را فراهم می‌کرد. شاه‌تهماسب اول بر تجارت ابریشم نظارت داشت و در قبال پول نقد، امتیاز آن را به ارمنیان، ترکان و هرکسی که خریدار آن بود، می‌فروخت (همان، ۲۲۵). طبق گزارش بازرگانان انگلیسی، مقدار هنگفتی از دلارهای هلندی وارد ایران می‌شد و در بیشتر مواقع برای خرید ابریشم خام به کار می‌رفت (همان‌جا).

در دوران شاه‌عباس اول و جانشینانش، ابریشم اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و یکی از گرانبهارترین محصولات بازرگانی ایران شد. ثبات سیاسی و امنیت داخلی به‌ویژه در نظام راهداری، موجب شد که اقتصاد ایران در مسیر شکوفایی گام نهد. یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد این دوره، رشد تجارت بود. بدون شک ابریشم در رشد تجارت و شکوفایی اقتصاد تأثیر مهمی داشت. خودزکو^۴ می‌نویسد: «در روزهایی که محصول ابریشم به بازار می‌آمد، بازارهای رشت را تحرک بی‌نظیری می‌داد و مالکان به رشت می‌آمدند تا علاوه بر فروش

1. Edwards

2. Chapman

3. Anthony Jenkinson

4. Chodzko

محصولات، مالیاتشان را پردازند» (۱۳۵۴: ۱۳). این روایت خودزکو، بیانگر تأثیر ابریشم گیلان در رشد و رونق بازار است.

ابریشم عمده‌ترین کالای طبیعی ایران عصر صفوی بود؛ از این رو بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مال‌التجاره ایران را تشکیل می‌داد (جملی کاری، ۱۳۸۳: ۱۷۴). محصول ابریشم عصر صفویه به‌طور عمده در ایالت شمالی - استرآباد (گرگان)، مازندران، گیلان - و به میزان کمتری در اردبیل، شیروان، شماخی، قراباغ، خراسان و اطراف یزد تولید می‌شد (فلسفی، ۱۳۵۳: ۱۴). قسمتی از محصول ابریشم تولیدی به خارج صادر می‌شد و بقیه در داخل به مصرف تهیه پارچه‌های لطیف ابریشمی می‌رسید. در این میان، ابریشم گیلان دارای اهمیتی ویژه بود و سهم بیشتری داشت. شاه‌عباس اول با فتح گیلان، به تجارت ابریشم دست یافت و ابریشم مرغوب منطقه را صادر می‌کرد (Matthee, 2003: 284).

شاه‌عباس اول به‌دلیل اهمیت ابریشم، گیلان را به سرزمین خاصه تبدیل کرد تا به کمک نمایندگان خود، محصول ابریشم آنجا را خریداری و در انبارهای شاهی نگهداری کند؛ سپس آن را به بازرگانان و نمایندگان شرکت‌های خارجی بفروشد (Ibid, 285).

از نکات مهم و قابل‌تعمق، راه یافتن ابریشم ایران به بازارهای جهانی و شهرت آن بود که سبب شد تقاضای بیشتری برای خرید آن عرضه شود. به روایت تاورنیه^۱ (۱۳۶۳: ۷۳-۷۶)، قافله‌هایی که برای تجارت ابریشم به حمل کالا می‌پرداختند، گاهی هشتصد تا نهصد شتر همراه داشتند. این قافله‌ها از اردبیل می‌گذشتند و این شهر به برکت تجارت ابریشم گیلان و وجود مقبره شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی به یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران تبدیل شده بود. مسیر این راه تجاری تا شماخی، استانبول و از میر ادامه پیدا می‌کرد.

در زمان شاه‌عباس اول تجارت ابریشم یکی از دلایل گسترش روابط خارجی ایران با دولت‌های مختلف اروپایی بود. در این زمان حتی سفرای ایرانی وقتی به مأموریت می‌رفتند، موظف بودند هنگام اقامت در خارج مقداری ابریشم بفروشند و عایدات آن را برای شاه بفرستند (سیوری، ۱۳۶۶: ۱۷۷). کشورهای اروپایی نیز خواهان امتیاز تجاری در زمینه تجارت پرسود ابریشم بودند و متقابلاً این امر باعث رشد و رونق تجارت ابریشم

^۱. Tavernier

می‌شد. تأسیس کمپانی انگلیسی هند شرقی در ایران در سال ۱۰۰۹ق/ ۱۶۰۰م، یکی از اثرات رونق و شکوفایی ابریشم ایران بود (لافون، ۱۳۷۲: ۲۴). شرکت‌های خارجی در ایران کوشش می‌کردند تا با بهره‌گیری از موقعیت مناسب در جاهایی که بازار تولید ابریشم خام به‌شمار می‌آمد، دفاتر بازرگانی تأسیس کنند. جدا از رغبت این شرکت‌ها، خوش‌رفتاری مأموران گمرک ایران با خارجیان که به گفته «شاردن» در هیچ جای دنیا مشاهده نمی‌شود، بر رونق تجارت می‌افزود (کرویس، ۱۳۸۰: ۴۷).

نکته درخور توجه دیگر، سیاست شاه‌عباس اول در مورد ابریشم بود. طبق سیاست شاه‌عباس اول مبنی بر تمرکز اقتصادی ابریشم، وزیر مخصوص که مأمور مراقبت در امور تجاری بود، وظیفه داشت محصول سالانه تولیدکنندگان ابریشم را به شخص شاه بفروشد. شاه‌عباس اول، ابریشم را از مالکان آن به نصف بهایی که مشتریان دیگر به‌ویژه ارامنه جلفای اصفهان می‌دادند، می‌خرید؛ سپس آن را به بازرگانان ایرانی و بیگانه به قیمتی که خود معین می‌کرد، می‌فروخت (راوندی، ۱۳۸۲: ۵/ ۱۶۳-۱۶۴). وی به تجاری که برخلاف دستور او از دیگران ابریشم می‌خریدند، اجازه صدور از ایران را می‌داد؛ اما هر بار به دلخواه خود مبلغی از آن‌ها می‌گرفت (فلسفی، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۹۵۲). در نتیجه بازرگانان صادرکننده همچنان به خرید مستقیم در نواحی تولید ادامه می‌دادند؛ لیکن هنگامی که خرید خارج از موجودی سلطنتی انجام می‌شد، می‌بایست برای هر بار ابریشم خریده‌شده برای صادرات، دوازده تومان و برای هر بار ابریشم خریده‌شده برای عمل آوردن در ایران، چهار تومان مالیات پرداخت می‌کردند (Steens Gaard, 1973: 381).

نکته مهم دیگر کسب پول نقد در تجارت ابریشم بود؛ زیرا از این طریق مخارج دستگاه نظامی و اداری متمرکز شاه‌عباس اول تأمین می‌شد (McCabe, 2001: 292). بنابراین برحسب ضرورت، بخش عمده‌ای از تجارت ابریشم با پول نقد مبادله می‌شد؛ به‌طوری‌که شاه‌عباس اول کمپانی هلندی را مجبور کرد هر سال مقادیر مهمی ابریشم خام به قیمت‌های ثابت و معین بخرد (کرویس، ۱۳۸۰: ۳۷).

با افزایش واردات پارچه انگلیسی و ادویه هلندی در سده هفدهم میلادی، دیگر پول نقد چندانی عاید ایران نمی‌شد و آن مقدار نیز صرف تشکیلات دیوان‌سالاری مرکزی

می‌شد. پولی که در موازنه مثبت تراز بازرگانی از طریق صدور ابریشم عاید ایران می‌شد، برای خرید ادویه، پارچه‌های نخی و کالاهای دیگر به مشرق می‌رفت؛ زیرا ایران بخشی از این کالاها را با پول نقد می‌خرید. عمده‌ترین مراکزی که پول نقد ایران را جذب می‌کردند، هلند و هند بودند. آن‌ها با فروش ادویه گرانبها از طریق تجارت آسیایی خود، پول نقد ایران را به دست می‌آوردند؛ چون هند نیازی به ابریشم خام ایران نداشت (فوران، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

از دیگر نکات مهم درباره تجارت ابریشم، تأمین کالاهای وارداتی مورد نیاز کشور از فروش این محصول بود. بهای کالاهای وارداتی از اروپا به ایران، از طریق ابریشم پرداخته می‌شد. برای نمونه طبق قراردادی که ویس نیخ^۱ هلندی با شاه عباس اول در سال ۱۰۳۲ق/ ۱۶۲۳م منعقد کرد، کمپانی هلندی باید برای هر بار خرید ابریشم ۴۹ تا ۵۰ تومان می‌پرداخت و در عوض، کالای هلندی را به همان نرخ ثابت می‌فرخت. ابریشم تحویلی به آن‌ها نیز فقط از نوع لاجی بود که در گیلان و منطقه لاهیجان تهیه می‌شد (فلور، ۱۳۵۶: ۳۰). هلندی‌ها در قرارداد سال ۱۰۳۵ق/ ۱۶۲۶م با شاه عباس اول مقرر کردند که کالایی به ارزش چهل هزار تومان به ایران وارد و به جای آن ابریشم ایران را دریافت کنند (سیوری، ۱۳۶۶: ۱۷۸؛ فلور، ۱۳۵۶: ۳۲). فلور^۲ در این مورد می‌نویسد: «در این قرارداد قرار شد نصف آن ابریشم لاجی و نصف دیگر ابریشم شیروانی باشد» (همان‌جا). همچنین، جملی کاری^۳ (۱۳۸۳: ۱۴۹) و شاردن^۴ (۱۳۷۴: ۲/ ۹۰۳)، در سفرنامه‌های خود به خرید ابریشم ایران از سوی هلندی‌ها و صدور آن اشاراتی دارند. تجارت ابریشم برای هلندی‌ها در مقایسه با تجارت ادویه که عامل اصلی تأسیس کمپانی هند شرقی هلند بود، برتری داشت؛ زیرا به علت مرغوبیت جنس و داشتن خریدار فراوان در بازارهای اروپایی برای فروش آن چندان معطل نمی‌شدند و سرمایه آن‌ها را کد نمی‌ماند؛ از همین رو هلندی‌ها مایل به افزایش مقدار ابریشم صادراتی از ایران بودند (فلور، ۱۳۵۶: ۳۱).

1. Visnich

2. Floor

3. Gemelli Careri

4. Chardin

کمپانی هند شرقی انگلیس نیز در سال ۱۰۳۰ق/ ۱۶۲۰م از شاه‌عباس اول اجازه خواست تا برای خرید ابریشم به گیلان برود. شاه با خواسته آن‌ها موافقت کرد؛ مشروط به اینکه پرداخت پول با حداکثر نرخ اصفهان و پول رایج نقره یا کالای انگلیسی انجام پذیرد و این کالا را فقط به شاه، آن هم به هر قیمتی که او می‌گوید، بفروشند که برای شرکت مقرون به صرفه نبود (دل‌واله، ۱۳۸۰: ۲/ ۹۹۱)؛ به طوری که عاملان انگلیسی، اعتصاب خریداران را برای واداشتن شاه‌عباس اول به پایین آوردن قیمت اعلام کردند؛ اما دریافتند که تهیه ابریشم از بازار آزاد برای صدور غیرممکن است (Steens Gaard, 1973: 377). اصولاً برخی از قراردادهای تجاری براساس مبادلات ابریشم بسته می‌شد. مثلاً در سال ۱۰۳۷ق/ ۱۶۲۸م در دیدار و مذاکره بین سفیر انگلیس، کاتون^۱، و رابرت شرلی^۲ با شاه‌عباس اول در دربارش، شاه به سفیر گفت حاضر است همه‌ساله ده‌هزار عدل ابریشم در جزیره هرمز تحویل دهد و به جای آن ماهوت انگلیسی بگیرد (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۳۷؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹: ۹۴-۹۵).

نکته دیگر رقابت دولت‌های اروپایی بر سر خرید ابریشم و ورود به بازارهای ابریشم ایران بود. این رقابت تاحدی بود که دول اروپایی برای به دست آوردن آن با یکدیگر ستیز می‌کردند. شاه‌عباس اول برای اخراج پرتغالی‌ها از جزیره هرمز در سال ۱۰۲۹ق/ ۱۶۲۰م از دول اروپایی از جمله انگلیس کمک خواست و برای تشویق آن‌ها از ابزار ابریشم استفاده کرد. او به آن‌ها قول داد در ازای کمک از تجارت ابریشم به ویژه ابریشم گیلان بهره‌مند خواهند شد (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۵۱) و حتی می‌توانند به گیلان بروند و هر ابریشمی که می‌خواهند، بخرند (دل‌واله، ۱۳۸۰: ۲/ ۹۹۱). این امر نشان از اهمیت تجارت ابریشم دارد و اینکه شاه‌عباس اول با درک این موضوع، از ابریشم برای تحقق مقاصد اقتصادی و سیاسی خود استفاده می‌کرد.

علاوه بر انگلیس و هلند، دولت‌های اسپانیا و روسیه نیز در صدد به دست گرفتن بازار ابریشم ایران به خصوص گیلان بودند. رومانف، تزار روس، در سال ۱۰۲۷ق/ ۱۶۱۸م سفیری به ایران فرستاد و در صدد بود که برای صدور محصول ابریشم ولایات شمالی ایران

1. Cotton

2. Robert Shirley

از راه دریای خزر به اروپا قراردادی با ایران منعقد کند (همان، ۱۲۶۱؛ فلسفی، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۹۵۷). همه این موارد نشان از اهمیت ابریشم در زمان شاه‌عباس اول دارد.

مسئله دیگر تغییر سیاست دولت صفوی بعد از شاه‌عباس اول در زمینه تجارت ابریشم است. شاه‌صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق) کنترل شاه و دربار را بر تجارت ابریشم برداشت و فرمان داد امتیاز ابریشم را به هر کسی که می‌خواهد، بدهند (محمد معصوم، ۱۳۶۸: ۳۹). او در ازای دریافت مقادیر معتدبه‌ی رشوه از ارامنه، به آن‌ها جواز خرید ابریشم داد و ارامنه نیز از این راه ترقی کردند و موقعیت بسیار مساعد مالی به دست آوردند (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۱۱۷). در مورد ابریشم گیلان نیز شاه‌صفی برای اینکه دست کارکنان و عمال وزیر گیلان را کوتاه کند، خرید و فروش آن را به تجار واگذار کرد (واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۱۲)؛ این مسئله باعث افزایش تولید ابریشم در دوره شاه‌صفی شد. آمار افزایش تولید ابریشم در زمان شاه‌صفی نسبت به شاه‌عباس اول، گواه محکمی بر درستی این نظر است.^۱ همچنین، نشان می‌دهد که سیاست تمرکزگرایی شاه‌عباس اول در کاهش رغبت تولیدکنندگان مؤثر بود و باعث کاهش تولید ابریشم شد.

۴. راه‌های صدور ابریشم

به دلیل اهمیت تجارت ابریشم ایران در عصر صفوی، تحریکات و تلاش‌های بسیاری در خصوص مسیر انتقال این کالا صورت می‌گرفت. از جمله شرکت انگلیسی آوانت^۲ از مسیر حلب، کمپانی هند شرقی از مسیر خلیج فارس و دور آفریقا و شرکت روسی مسکو از مسیر روسیه تلاش‌های انجام دادند (ثواقب، ۱۳۸۱: ۱۵۷). حکومت روسیه در زمان شاه‌عباس اول (حدود سال ۱۰۲۷ق/ ۱۶۱۸م) مایل بود که تمام ابریشم گیلان و سواحل دریای خزر از طریق این دریا به آن کشور فرستاده شود تا مشتریان انگلیسی، هلندی، ونیزی و دیگر کشورهای اروپایی از آنان خریداری کنند (فلسفی، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۹۵۷). هرگاه شاه‌عباس اول با سلطان عثمانی در صلح و مسالمت به سر می‌برد، ابریشم ایران بیشتر از راه

۱. ر.ک. جدول و نمودار ۵-۱.

۲. Avant

آسیای صغیر، گرجستان، دریای سیاه و مدیترانه به اروپا فرستاده می‌شد و اگر میان دو دولت جنگ درمی‌گرفت، به وسیله کشتی‌های پرتغالی، اسپانیایی، یا انگلیسی از بندرعباس، خلیج فارس و اقیانوس هند به اروپا حمل می‌شد (همان، ۱۳۵۳: ۱۵).

طبق اسناد پادریان کرملی^۱ (۱۳۸۳: ۵۵-۵۶)، در سال ۱۰۱۷ق / ۱۶۰۹م رابرت شرلی از شاه‌عباس اول خواست که مسیر تجارت ابریشم را از حلب به راه هرمز تغییر دهد. شاه‌عباس اول در جواب شاه اسپانیا قبول کرد که مسیر تجارت از حلب به هرمز تغییر کند و از آنجا به اروپا صادر شود (همان، ۵۷). طبق همین اسناد، در نامه‌ای دیگر از همان سال آورده شده است که شاه‌عباس اول به آنتونی شرلی نوشت بعد از این ابریشم ایران را به حلب نبرند و به جای آن به هرمز آورده شود و در آنجا به فروش برسد (همان، ۶۰). بنابراین با استناد به اسناد پادریان کرملی می‌توان دریافت که راه عمده تجارت ابریشم یکی از مسیر حلب و دیگری از مسیر هرمز در جنوب ایران بود. با توجه به دشمنی عثمانی با حکومت صفوی و جنگ‌های دائمی آن‌ها با یکدیگر و اینکه مهم‌ترین مسیرهای تجارتی سنتی - مسیری که از عراق و سوریه می‌گذشت و به بنادر مدیترانه منتهی می‌شد و مسیری که از آناتولی می‌گذشت و به استانبول می‌رسید - در امپراتوری عثمانی قرار داشت، مسیر دیگری اندیشیده شد که عثمانی را دور می‌زد. این مسیر از گیلان و دریای خزر عبور می‌کرد و به هشرخان روسیه می‌رسید، سپس به سوی ولگا پیش می‌رفت و از آنجا از راه خشکی به اُکراین می‌رسید (سیوری، ۱۳۶۶: ۱۷۶). این راه تجاری در زمان شاه‌عباس اول هنگامی که عثمانیان با صفویه در جنگ بودند، اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کرد (Savory. R.M., 1980: 196). مسیر دیگری که در زمان شاه‌عباس اول مورد توجه قرار گرفت، راه جنوب و هرمز بود که از نیمه دوم سلطنت شاه‌عباس بیشتر مورد توجه بود. با انتخاب این مسیر برای تجارت ابریشم، بازرگانان قدرتمند اروپایی چون کمپانی هند شرقی هلند و انگلیس سود بردند (Matthee, 2003: 284).

^۱. Padryan carmel

۵. نقش ابریشم گیلان در تحولات اقتصادی و سیاسی حکومت صفوی به‌ویژه گیلان (تا پایان شاه‌عباس اول)

با توجه به مساعد بودن آب و هوای گیلان برای پرورش کرم ابریشم، گیلان در تولید و صادرات ابریشم نقش فعالی داشت. این کار در آمد نسبتاً خوبی برای آن منطقه دربر داشت؛ تاجایی که به دلیل سود زیاد آن، در فکر تولید محصولاتی دیگر مانند برنج نبودند (کاردان، ۱۳۸۰: ۵/۱۸۳).

اولین نکته در زمینه نقش ابریشم در تحولات اقتصادی عصر صفوی این است که ایران از بابت فروش آن، کالا وارد می‌کرد و مهم‌تر اینکه به پشتوانه آن، سکه ضرب می‌کرد. در نتیجه ابریشم در تجارت خارجی به صورت یک معادل عمومی به جای پول استفاده می‌شد (ر.ک. جدول ۵-۱). در این میان، گیلان زمان شاه‌عباس اول با تولید حدود ۸۱۰۰۰ من ابریشم، بیشترین سهم را در تولید ابریشم ایران داشت (ر.ک. همان)؛ به همین دلیل باید گفت شاه‌عباس اول سرزمین گیلان را به املاک خاصه تبدیل کرد تا فروش محصول ابریشم آن را که نزدیک به نیمی از کل ابریشم ایران بود، مستقیماً برعهده گیرد. او بر خرید ابریشم در گیلان تا فروش آن در اصفهان و خارج از ایران نظارت داشت (McCabe, 2001: 292).

همچنین، شاه‌عباس اول بعد از فتح گرجستان و ارمنستان، برای رشد و رونق تولید ابریشم در گیلان عده‌ای از گرجی‌ها و ارمنه را به آنجا کوچ داد تا به پرورش کرم ابریشم بپردازند (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۵۶؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۲۹۳-۲۹۴). البته، عده زیادی از ارمنه به دلیل شرایط نامناسب آب و هوایی مُردند و فقط تعداد معدودی باقی ماندند که آن‌ها نیز در تولید ابریشم چندان موفق نبودند (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۵۶)، اما ارمنه در نقش تجار ابریشم موفق بودند. برای مثال وقتی شاه‌عباس اول، پرتغالی‌ها را اخراج کرد و با هلندی‌ها و انگلیسی‌ها کنار آمد، مقداری از ابریشم گیلان را به عنوان سهمیه برای خرید تجار آن‌ها تعیین کرد و آن‌ها خرید خود را به وسیله بازرگانان ارمنی انجام می‌دادند (فروچی و طالبی، ۱۳۷۷: ۵). بازرگانان ارمنی نقش مهمی در بازار ابریشم ایران داشتند و شاه‌عباس نیز توجهی ویژه به آن‌ها داشت (McCabe, 2001: 292). در آخر باید متذکر شد به دلیل نزدیکی

مسافت ارمنستان به گیلان و مسیحی بودن آرامنه و سهولت ارتباط آن‌ها با بازرگانان اروپایی در گیلان، پای ارمنیان بازرگان به مناطق مختلف گیلان باز شد (Ibid, 70) و همین شرایط مناسب باعث شد شاه‌عباس اول به‌رغم انحصار ابریشم امتیازاتی به آن‌ها بدهد.

دومین نکته در زمینه نقش ابریشم در تحولات اقتصادی عصر صفوی این است که تجارت ابریشم یکی از راه‌های عمده تأمین‌کننده درآمد شاه صفوی بود. سالیانه از فروش آن مبالغ هنگفتی عاید خزانه شاهی می‌شد و بزرگ‌ترین منبع پول نقد برای خزانه سلطنتی بود (Savory. R.M., 1980: 198). علاوه بر آن، تجارت فرآورده‌های ابریشمی سالیانه پول فراوانی وارد مملکت می‌کرد و مشتریان فراوانی را از اطراف جهان به ایران می‌کشاند. مالیات تولیدکنندگان ابریشم، حقوق گمرکی و عوارض راهداری کاروان‌های تجارتهی ابریشم، مبالغ بسیاری بود که سالیانه به خزانه دولت وارد می‌شد (ثواقب، ۱۳۸۱: ۱۵۳). با توجه به این منافع، ابریشم به‌عنوان کالایی استراتژیک و مهم در انحصار شاه قرار گرفت. بنابه گزارش اولتاریوس (۱۳۶۳: ۳۲۰)، عوارض برخی از کالاها از جمله ابریشم به‌قدری زیاد بود که از هر عدل^۱ ابریشم مصرفی داخل کشور، معادل ده تالر^۲ (۳۰ مارک) عوارض نصیب خزانه شاه می‌شد (ر.ک. جدول ۵-۱). یکی از نواحی‌ای که به‌دلیل تولید زیاد ابریشم عوارض زیادی می‌پرداخت، گیلان بود. تاورنیه می‌نویسد: «از ابریشم گیلان هر یک من، یک‌ونیم اکو حق گمرک گرفته می‌شد» (۱۳۶۳: ۳۵). شاردن (۱۳۳۶: ۸/ ۲۸۱) و ۲۹۲-۲۹۳، میزان عواید پادشاه صفوی از عوارض گیلان را دومیلیون فرانک ذکر می‌کند که بیش از هر ایالت دیگر بوده است و این به‌سبب محصول ابریشم بود که بیش از هر جای دیگر در این ایالت به‌وفور فراهم می‌شد.

سومین نکته در زمینه نقش ابریشم در تحولات اقتصادی عصر صفوی این است که قسمت عمده درآمد گمرک، به‌عنوان یکی از منابع مهم درآمد شاه در عصر صفوی، از

۱. هر عدل [لنگه] ۲۶ لیور و هر لیور معادل تقریباً نیم کیلوگرم وزن دارد. عدل برابر ۱۱۰ کیلوگرم بود (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۱۱۶؛ یغمایی، ۱۳۷۴: ۲/ ۹۰۲). علاوه بر آن هر عدل حدود ۳۶ من وزن داشت. من تبریز سه کیلو و من گیلان شش کیلوگرم بود (راوندی، ۱۳۸۲: ۵/ ۱۶۳؛ فلسفی، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۹۵۱).

۲. Thaler

تجارت ابریشم به خصوص ابریشم گیلان وصول می شد. به گزارش سانسون^۱ (۱۳۴۶: ۱۳۴-۱۳۵)، گمرک گیلان برای شاه سلیمان هشتاد هزار تومان (۳،۶۰۰،۰۰۰ لیور) عایدی فراهم می کرد. قسمت عمده این عوارض گمرکی از محموله های صادراتی ابریشم دریافت می شد.

چهارمین نکته در زمینه نقش ابریشم در تحولات اقتصادی صفوی، کیفیت ابریشم ایران به ویژه گیلان در عرصه تجاری بود و این امر بر افزایش درآمد و مشتریان می افزود. ابریشم ایران در عصر صفوی به لحاظ کیفیت بالایی که داشت، نه تنها در بازارهای اروپا در مقایسه با ابریشم هند و ایتالیا توان رقابتی بالایی داشت، بلکه در بازار عثمانی نیز بر ابریشم سوریه و یونان برتری داشت. مرغوب ترین ابریشم ایران از گیلان بود که نوع شعرفاف آن کیفیت بالایی داشت و برای بافتن منسوجات گرانبها به کار می رفت و به اروپا صادر می شد (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۹۰۳). علاوه بر آن، به دلیل بالا بودن کیفیت ابریشم گیلان، غالباً ابریشم سایر مناطق را که دارای کیفیت پایین بود، با آن مخلوط می کردند تا ابریشمی با کیفیت مطلوب تر به بازار عرضه کنند. مثلاً ابریشم مازندران را که دارای کیفیت متوسط بود، با ابریشم گیلان مخلوط و به روسیه صادر می کردند. همچنین، ابریشم شیروان را با ابریشم گیلان مخلوط و برای فروش به بازار ارسال می کردند (بنجامین، ۱۳۶۹: ۳۱۷-۳۱۸).

پنجمین نکته در زمینه نقش ابریشم در تحولات اقتصادی صفوی این است که این کالا کاملاً با الگوی تجاری زمان منطبق بود. قیمت آن به نسبت وزنی که داشت، با توجه به حمل و نقل تجاری آن روزگار برای بازرگانان بازارهای دوردست سودآور بود. رودلف مته (Matthee, 1999: 58) می نویسد هزینه انتقال ابریشم از اصفهان به حلب در اواخر ۱۰۳۰ق / ۱۶۲۰م، ۱۳ یا ۱۴ تومان بود که نسبتاً منصفانه بود. قیمت ابریشم در گیلان ۴۲ یا ۴۳ تومان بود؛ در حالی که فروش آن در بنادر مدیترانه بین ۵۸ تا ۶۰ تومان ارزش داشت. بنابراین، گیلان، به عنوان عمده ترین مرکز تولیدکننده ابریشم مرغوب در ایران، نظر بازارهای اروپایی را جلب کرد. این ارتباط در سوق دادن گیلان به مدار سرمایه داری تجاری و تأثیر آن بر نظام شهری منطقه از اهمیت محوری برخوردار بود. رقابت کشورهای

^۱. Sanson

مختلف در ایران برای خرید ابریشم گیلان و تأسیس تجارت‌خانه در آنجا دلالت بر اهمیت ابریشم گیلان در بازارهای اروپایی دارد؛ چنان‌که ادواردز برای همین منظور در سال ۱۹۷۵ ق/ ۱۵۶۷ م تجارت‌خانه‌ای در رشت ایجاد کرد (بنجامین، ۱۳۶۹: ۳۱۳). هلندی‌ها در قرارداد سال ۱۰۳۴ ق/ ۱۶۲۳ م فقط ابریشم لاجی لاهیجان گیلان را خواستار بودند (فلور، ۱۳۵۶: ۳۰). در قرارداد سال بعد نیز، باز نصف ابریشم خریداری‌شده آن‌ها از نوع لاجی^۱ گیلان بود (همان، ۳۲). علاوه بر آن‌ها کمپانی هند شرقی انگلیس نیز در سال ۱۰۳۰ ق/ ۱۶۲۰ م به دنبال خرید ابریشم گیلان بود (لافون، ۱۳۷۲: ۵۵). همه این شواهد و قراین نشان از کیفیت بالای ابریشم گیلان و اهمیت آن در سطح بازارهای جهانی دارد. به دلیل اهمیت نقش ابریشم در اقتصاد کشور و بازارهای جهانی، نواحی تولیدکننده آن به خصوص گیلان از شهرت جهانی برخوردار شدند. ابریشم گیلان گذشته از معاملات بازرگانی که نتیجه‌اش تقویت اقتصاد کشور بود، مانع خروج بیشتر ارز از مملکت می‌شد.

ششمین نکته در زمینه نقش ابریشم در تحولات اقتصادی صفوی به خصوص گیلان این است که تولید ابریشم، به‌عنوان کالای مرکزی، در گیلان نتوانست در دوره صفوی به‌ویژه عصر شاه‌عباس اول، تحول عمده‌ای پدید آورد؛ زیرا از زمان شاه‌عباس اول گیلان خاصه شد (فومنی، ۱۳۴۹: ۱۷۳) و تجارت ابریشم در دست شاه قرار گرفت؛ در نتیجه بخش عمده‌ای از تجارت آن برای گیلان سودی نداشت و نمی‌توانست مازاد قابل توجهی در منطقه برجای گذارد. بنابراین، تجارت ابریشم در دوره شاه‌عباس اول به انباشت سرمایه که منشأ اولیه تحول در نظام سرمایه‌داری بود، منجر نشد. بخش عمده‌ای از این کالا به دست عمال شاه در منطقه به قیمت ارزان خرید و انبار می‌شد و سپس به اصفهان که در این زمان کانون تجارت جهانی در خاورمیانه بود، فرستاده می‌شد. در این میان، فقط شهر رشت بود که تحت تأثیر تجارت ابریشم رشد کرد.

هفتمین نکته، نقش ابریشم در تحولات سیاسی داخلی کشور به خصوص گیلان است. از زمان گذشته برخی از پادشاهان و اربابان قدرت به منظور تسلط یافتن بر تجارت ابریشم یا به منظور به دست آوردن مقدراری ابریشم و پارچه‌های ابریشمی - ولو در قالب هدایا و

^۱. Ladji

خراج - بر مناطق ابریشم خیزی مانند گیلان دست اندازی می کردند. برای نمونه در دوره مغولان قسمتی از مالیات جنسی به صورت ابریشم پرداخت می شد (اقبال، ۱۳۶۵: ۵۵۹) و غالباً خراجی که بر عهده مؤدیان ولایت مذکور واگذار می شد، ابریشم بود؛ بنابراین اولجایتو پس از فتح گیلان، هریک از امرای محلی آن سرزمین را به قدر وسعشان به پرداخت مقداری ابریشم در سال ملزم کرد (همان، ۵۶۰). حمدالله مستوفی در این باره می نویسد: «اولجایتو بعد از اینکه امرای گیلان را امان داد، خراج ابریشم بر آنها مقرر کرد» (۱۳۸۱: ۶۰۷). تیمور لنگ نیز بعد از تسخیر گیلان ده هزار من ابریشم به عنوان مالیات مقرر کرد (شرف الدین علی یزدی، ۱۳۳۶: ۲/ ۳۹۸؛ نظام الدین شامی، ۱۳۶۳: ۲۹۵).

در زمان صفوی به خصوص دوره شاه عباس اول برای تسلط کامل بر ابریشم گیلان، به این ایالت توجهی ویژه شد؛ به طوری که منجر به سقوط حکومت محلی آل کیا گردید؛ بنابراین ابریشم نقشی مهم در تحولات سیاسی داخلی گیلان داشت. در ادامه دوره شاه عباس اول، به دلیل اجحاف هایی که در امر انحصار ابریشم صورت گرفت، سخت گیری و فشار بر رعایا افزایش یافت و منجر به نارضایتی و خشم آنان شد؛ به طوری که اندکی بعد از مرگ شاه عباس اول در سال ۱۰۳۹هـ.ق / ۱۶۲۹م در زمان شاه صفی شورش عمده ای صورت گرفت و منجر به تصرف شهرهای رشت، فومن، لاهیجان و غارت اموال شاه و کمپانی های ابریشم شد (فومنی، ۱۳۴۹: ۲۶۴-۲۶۵). فومنی می نویسد: «بر حسب الحکم شاه عباس، وزیر گیلان قریب سیصد خروار ابریشم گیلان خریده بود» (همان، ۲۶۵). در جریان این شورش، در رشت انبارهای دولتی را شکستند و ۲۰۰ خروار (۵۹ هزار کیلوگرم) ابریشم خام را که مأموران شاه عباس اول جمع آوری کرده بودند، مصادره و بین خود تقسیم کردند (همانجا)؛ اما این شورش از سوی نیروهای شاه صفی، لشکریان و امیران طرفدار حکومت صفوی سرکوب شد (همان، ۲۷۸-۲۸۰). سردسته این شورش، ابوالکالیجار سلطان مشهور به عادل شاه یا غریب شاه گیلانی دستگیر و در اصفهان تیرباران شد و حدود هشت هزار نفر نیز کشته شدند (محمد معصوم، ۱۳۶۸: ۵۳-۵۴).

این شورش نشان می دهد که خرید اجباری ابریشم ارزان از سوی عمال شاه عباس اول، هرگز مورد رضایت مردم نبود و آنها خواستار رفع انحصار شاه عباس اول بر ابریشم و

رهایی از فشار مالیاتی بودند. ائتلاف تعداد زیادی نیروی انسانی در این شورش، بر میزان تولید ابریشم و سایر محصولات تأثیر گذاشت؛ اما در دوره‌های بعد، رونق محصول ابریشم و بازار آن، مردم گیلان را تبدیل به آرام‌ترین مردم کرد.

هشتمین نکته، تأثیر سیاست انحصاری شاه‌عباس اول در زمینه تجارت ابریشم است. سیاست‌های انحصاری شاه‌عباس اول در گیلان، تولید ابریشم در آن زمان را نسبت به دوره شاه‌صفی و شاه سلیمان بسیار کم کرد. رانلد فریر^۱ (۱۳۸۰: ۲۳۸) در پژوهش تاریخ کمبریج می‌نویسد: میزان تولید ابریشم گیلان در زمان شاه‌عباس اول، بعد از پیروزی بر ترکان عثمانی در سال ۱۰۱۷ق/ ۱۶۰۸م و بازپس‌گیری مناطق تولید و صدور ابریشم مانند قفقاز، و صلح زودگذر بالا رفت و به حدود ۸۱،۰۰۰ من رسید.^۲

متأسفانه منابع اطلاعات چندانی درباره آمار تولید ابریشم از زمان شاه‌اسماعیل اول تا شاه‌عباس اول ارائه نمی‌دهند. در جدولی که نگارنده با استناد به منابع و مآخذ معتبر تهیه کرده است، آمار میزان تولید ابریشم ایران و گیلان در زمان شاه‌عباس اول، شاه‌صفی و شاه سلیمان آمده است (ر.ک. جدول ۵-۱). با مقایسه آمارهای تولید ابریشم ایران و گیلان از زمان شاه‌عباس اول تا پایان دوره شاه سلیمان صفوی، طبق جدول و نمودار تنظیم‌شده، به یقین می‌توان گفت که میزان تولید ابریشم گیلان و ایران در زمان شاه‌عباس اول بسیار کمتر از زمان شاه‌صفی و شاه سلیمان بوده است (ر.ک. نمودار ۵-۱).

یکی از دلایل اصلی کاهش تولید ابریشم ایران و گیلان از زمان شاه‌اسماعیل اول تا پایان دوره شاه‌عباس اول، جنگ‌های طولانی آن‌ها با عثمانی و تسخیر برخی از مناطق ابریشم‌خیز مانند شیروان و مناطق صدور آن مانند قفقاز به‌ویژه ایروان و ارمنستان به‌دست عثمانی بود. مسئله دیگر نبود امنیت لازم برای تجارت به‌دلیل جنگ‌های طولانی با عثمانی و ازبک‌ها بود. البته، در دوره شاه‌عباس اول، مشکل امنیت تاحدی حل شد؛ اما با سیاست

^۱. Ronald Freire

^۲. محصول ابریشم ایران در زمان شاردن (۱۰۸۱ق) به ارزش ۶،۲۷۰،۰۰۰ پوند قلمداد می‌شد. در آن زمان کمپانی هلندی به هر پوند ۴ تا ۵ فلورن می‌داد؛ یعنی ارزش کل محصول ابریشم به ۲،۰۰۰،۰۰۰ لیره تا ۲،۵۰۰،۰۰۰ لیره می‌رسید (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۶)؛ در حالی که آمار تقریبی تولید ابریشم ایران در زمان شاه‌عباس اول طبق گزارش رانلد فریر ۲،۹۰۰،۰۰۰ پوند، یعنی از نصف هم خیلی کمتر بوده است (فریر، ۱۳۸۰: ۲۳۸).

خاصه شدن املاک گیلان بر توان اقتصادی منطقه ضربه وارد شد. انحصار تجارت ابریشم در زمان شاه عباس اول باعث اجحاف‌های زیادی به تولیدکنندگان ابریشم شد؛ اما در دوره شاه صفی انحصار تجارت ابریشم برداشته شد و این امر در رشد تولید ابریشم مؤثر بوده است.

نهمین نکته در مورد ابریشم گیلان این است که ابریشم دارای کاربرد تجاری و صنعتی در تولید کالا است؛ اما به دلیل عدم توسعه صنعت ایران در عصر صفوی، کاربرد صنعتی آن کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت و بیشتر به صورت ابریشم خام برای فروش در بازار تجارت استفاده می‌شد؛ چراکه کار در کارگاه‌های سنتی بافندگی و ریسندگی گیلان مستلزم صرف وقت زیاد بود و همچنین، توان افزایش تولید در زمان کم را نداشتند؛ به همین دلیل در حد نیاز داخلی زندگی تبدیل به کالا می‌شد و بیشتر محصول ابریشم را به صورت خام به فروش می‌رساندند. از سوی دیگر، در خرید محصول ابریشم خام واسطه‌های دولتی (نمایندگان حکومت مرکزی) نقش عمده‌ای داشتند؛ از همین رو در بیشتر مواقع با قیمت پایین از تولیدکنندگان می‌خریدند. بنابراین ابریشم به عنوان یک کالای اقتصادی کاملاً کنترل شده در خدمت دولت مرکزی و استبداد شاهی بود و سود کمتری برای کشاورزان داشت.

۶. نتیجه

ابریشم از محصولات بسیار حیاتی و مهم در گیلان عصر صفوی و دارای کاربرد تجاری و صنعتی بود؛ اما به دلیل عدم رشد صنعت ایران در دوره صفوی کاربرد صنعتی آن کمتر مورد توجه قرار گرفت و بیشتر به صورت ابریشم خام برای فروش در بازار تجارت عرضه می‌شد. در این دوره، ابریشم در کشورهای اروپایی اشتهار خاصی یافت و توانست بازرگانان خارجی را به سوی خود بکشاند. ابریشم یکی از علل توسعه مناسبات اروپاییان با دولت صفوی بود. از آنجا که گیلان دارای ابریشم مرغوب و تولید بالا بود، مورد توجه شرکت‌های خارجی قرار گرفت و آن‌ها سعی داشتند در آنجا تجارت‌خانه دایر کنند.

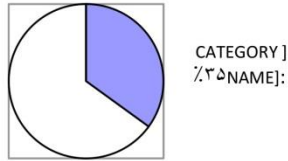
در نتیجه، با راه یافتن ابریشم ایران به بازارهای جهانی و شهرتی که این کالا به دست آورد، تقاضای بیشتری برای خرید آن به وجود آمد و در نتیجه آن گیلان شهرت جهانی یافت. اهمیت اقتصادی ابریشم برای دولت صفوی این بود که تجارت آن یکی از عمده‌ترین راه‌های کسب درآمد برای پادشاهان صفوی به‌شمار می‌آمد. علاوه بر آن، تجارت فرآورده‌های ابریشمی، مالیات، حقوق گمرکی و عوارض راهداری آن سالانه پول فراوانی را وارد خزانه مملکت می‌کرد. بنابراین، با توجه به منافع زیاد ابریشم، این کالا به‌عنوان یک کالای استراتژیک اقتصادی اهمیت یافت. از سوی دیگر، ابریشم کاملاً با الگوی تجاری زمان منطبق بود. قیمت آن به نسبت وزنی که داشت، با توجه به حمل و نقل تجاری آن روزگار، برای بازرگانان بازارهای دوردست سودآور بود. گیلان، به‌عنوان عمده‌ترین مرکز تولیدکننده ابریشم مرغوب در ایران، نظر بازارهای اروپایی را جلب کرد. این ارتباط در سوق دادن گیلان به مدار سرمایه‌داری تجاری و تأثیر آن بر نظام شهری منطقه از اهمیت محوری برخوردار بود.

فرجام سخن اینکه تولید ابریشم، به‌عنوان یک کالای تجاری مرکزی، نتوانست در دوره صفوی به‌خصوص عصر شاه‌عباس اول، تحول عمده‌ای در گیلان پدید آورد؛ زیرا از زمان شاه‌عباس اول گیلان خاصه شد و تجارت ابریشم در دست شاه قرار گرفت؛ در نتیجه بخش عمده‌ای از تجارت آن برای گیلان سودی نداشت و نمی‌توانست مازاد قابل توجهی در منطقه برجای گذارد؛ بنابراین به انباشت سرمایه که منشأ اولیه تحول در نظام سرمایه‌داری بود، منجر نشد.

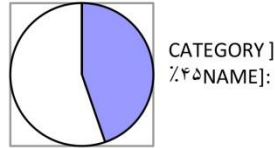
جدول ۵-۱. مقایسه آمار میزان تولید ابریشم ایران و گیلان

در زمان شاه عباس اول با زمان شاه صفی و شاه سلیمان

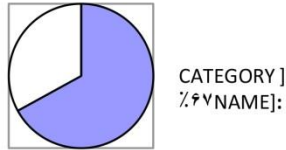
<p>ارزش</p> <p>منی ۲۲۰ و ۲۳۴ شاهی فروخته می‌شد. هر من ابریشم بین ۹ تا ۱۰ پوند و ۶ پنی معادل ۶۰ شاهی بود. هریار قاطر ۶۰ من.</p>	<p>ابریشم گیلان</p> <p>۸۱/۰۰۰ من</p>	<p>محصول ابریشم ایران</p> <p>۲۳۲/۰۰۰ من</p> <p>برابر ۲/۹۰۰/۰۰۰ پوند</p> <p>برابر ۱۲۵ تن</p>	<p>حدوداً سال</p> <p>۱۰۱۷ق/۱۶۰۸م یا ۱۰۱۹ق/۱۶۱۰م،</p> <p>به‌خصوص بعد از عهدنامه استانبول دوم ۱۰۲۲ق/ ۱۶۱۳م و عهدنامه ایروان ۱۰۲۷ق/ ۱۶۱۸م</p>	<p>زمان شاه عباس اول</p>
	<p>حدود ۲۴۳/۱۲۷ کیلوگرم (نظر نگارنده)</p>	<p>حدود ۶۹۶/۳۶۶ کیلوگرم (نظر نگارنده)</p>	<p>منبع</p> <p>(فریر، ۱۳۸۰: ۲۳۸)</p>	
<p>ارزش هر پوند، ۸ شیلینگ</p>	<p>—</p>	<p>صادرات محصول ابریشم ایران به اروپا ۱/۳۵۰/۰۰۰ پوند</p> <p>حدوداً برابر ۳۲۴/۵۱۹ کیلوگرم</p> <p>برابر ۵۴۰/۰۰۰ لیبه</p>	<p>(کمپانی هند شرقی؛ به نقل از عیسی، ۱۳۶۲: ۱۶)</p>	<p>زمان شاه عباس اول</p> <p>۱۰۳۰ق/ ۱۶۲۰م</p>
<p>هر عدل برابر ۱۱۰ کیلوگرم، هر عدل حدود ۳۶ من وزن داشت. من تبریز سه کیلوگرم و من گیلان شش کیلوگرم بود. هر عدل ۲۷۶ لیور و هر لیور معادل نیم کیلوگرم بود</p>	<p>تولید ابریشم گیلان ۸ هزار عدل</p> <p>//</p> <p>//</p> <p>۷۸۵ / ۴۵۵ کیلوگرم</p>	<p>تولید کل ابریشم ایران ۲۰ هزار عدل</p> <p>//</p> <p>۱/۷۶۷ / ۲۷۳ کیلوگرم</p>	<p>(اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۳۲۰)</p> <p>(کاردان، ۱۳۸۰: ۱۸۱/۵)</p>	<p>زمان شاه صفی</p> <p>۱۰۴۷ق/ ۱۶۳۷م</p> <p>//</p>
<p>هر عدل برابر ۲۱۶ پوند وزن داشت. هر فوت برابر یک من تبریز بود.</p>	<p>—</p>	<p>۴/۳۰۰/۰۰۰ پوند</p> <p>ارزش برابر ۰۰۰/۵۵۰ لیبه</p>	<p>(عیسی، ۱۳۶۲: ۱۶)</p>	<p>//</p>
<p>نرخ هر پوند بیش از ۲ شیلینگ ۶ پنس یا ۲ شیلینگ ۸ پنس بود. هر پوند ۴۸ تا ۵۲ سنت ارزش داشت.</p>	<p>—</p>	<p>—</p>	<p>(شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۹۰۲)</p>	<p>//</p>
<p>ارزش کل محصول متجاوز از دوازده میلیون فرانک</p>	<p>۱۰ هزار عدل</p>	<p>۲۲۰ هزار عدل</p>	<p>(جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۲۴-۲۵)</p>	<p>زمان شاه سلیمان</p> <p>۱۰۸۱ق/ ۱۶۷۰م</p> <p>//</p> <p>//</p>
<p>به هر پوند ۴ تا ۵ فلورن</p> <p>کمپانی هند شرقی می‌داد؛ یعنی ارزش کل محصول به ۲/۵۰۰/۰۰۰ تا ۲/۰۰۰/۰۰۰ لیبه می‌رسید.</p>	<p>۴۲۳/۰۰۰ من</p> <p>حدوداً ۱/۲۶۹/۰۰۰ کیلوگرم (نظر نگارنده)</p>	<p>۶۳۳/۰۰۰ من</p> <p>۱/۹۰۰/۰۰۰ کیلوگرم</p>	<p>(عیسی، ۱۳۶۲: ۱۶)</p>	<p>//</p>



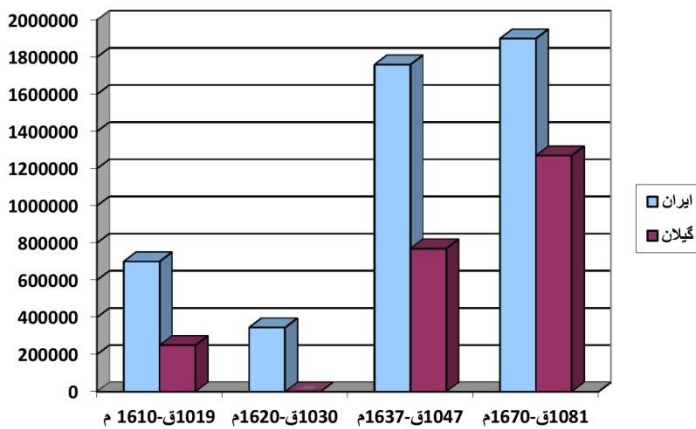
حدوداً سال ۱۰۴۷ق/ ۱۶۳۷م



حدوداً سال ۱۰۸۱ق/ ۱۶۷۰م



شکل ۵-۱. نمودار دایره‌ای تولید ابریشم گیلان نسبت به کل ایران (حدوداً سال ۱۰۱۹ق/ ۱۶۱۰م به بعد، به ویژه بعد از ۱۰۲۲ق/ ۱۶۱۳م عهدنامه استانبول دوم و ۱۰۲۷ق/ ۱۶۱۸م عهدنامه ایروان)



نمودار ۵-۱. نمودار میله‌ای تولید ابریشم گیلان نسبت به ایران در سال‌های مذکور بر حسب کیلوگرم

منابع

- اقبال، عباس (۱۳۶۵). **تاریخ مغول**. ج ۶. تهران: امیرکبیر.
- اولئاریوس، آدام (۱۳۶۳). **سفرنامه آدام اولئاریوس** (بخش ایران). ترجمه احمد بهپور. ج ۱. تهران: ابتکار.
- باربارو، جوزافا و دیگران (۱۳۴۹). **سفرنامه‌های ونیزیان در ایران** (شش سفرنامه). ترجمه منوچهر امیری. تهران: خوارزمی.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۲). **سیاست و اقتصاد عصر صفوی**. تهران: صفی‌علیشاه.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۶۹). **ایران و ایرانیان (عصر ناصرالدین‌شاه)**. ترجمه محمدحسین کردبچه. تهران: جاویدان.
- پطروشفسکی، ایلیا پولویچ (۱۳۵۷). **کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول**. ترجمه کریم کشاورز. ج ۱. تهران: نیل.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۳). **سفرنامه تاورنیه**. ترجمه ابوتراب نوری. با تجدیدنظر و تصحیح حمید شیرانی. اصفهان: کتاب‌فروشی تأیید.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۱). «ابریشم گیلان». **پژوهش‌نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی**. دانشگاه شهید بهشتی. ش ۳۴. صص ۱۴۵-۱۷۵.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۳۵). **گنج شایگان**. برلین: کاوه.
- جملی‌کارری، جوانی فرانچسکو (۱۳۸۳). **سفرنامه کارری**. ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگک. تهران: علمی و فرهنگی.
- جوادی، حسن (۱۳۷۸). **ایران از دیده سیاحان اروپایی**. ج ۱. تهران: بوته.
- **حدود العالم من المشرق الی المغرب** (۱۳۶۲). به کوشش منوچهر ستوده. تهران: طهوری.

- حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر (۱۳۸۱). **نزهة القلوب**. به کوشش محمد دبیرسیاقی. قزوین: حدیث امروز.
- خودزکو، الکساندر (۱۳۵۴). **سرزمین گیلان**. ترجمه سیروس سهامی. چ ۱. تهران: پیام.
- دلاواله، پیتر (۱۳۸۰). **سفرنامه‌های پیتر دلاواله**. ترجمه محمود بهفروزی. ج ۲. تهران: قطره.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). **تاریخ اجتماعی ایران**. ج ۵. تهران: روزبهان.
- سانسون (۱۳۴۶). **سفرنامه سانسون**. ترجمه تقی تفضلی. تهران: ابن‌سینا.
- سیوری، مروین راجر (۱۳۶۶). **ایران عصر صفوی**. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: سحر.
- شاردن، ژان (۱۳۳۶). **سیاحت‌نامه شاردن**. ترجمه محمد عباسی، ج ۸. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۴). **سفرنامه شاردن** (متن کامل). ترجمه اقبال یغمایی. ج ۲. تهران: توس.
- شرف‌الدین علی یزدی (۱۳۳۶). **ظفرنامه**. تصحیح محمد عباسی. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- عیسوی، چارلز فیلیپ (۱۳۶۲). **تاریخ اقتصادی ایران**. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- فروحی، علی و فرامرز طالبی (۱۳۷۷). **ارمنیان گیلان**. رشت: گیلکان.
- فریر، رانلد (۱۳۸۰). **تاریخ ایران: دوره صفویان**. پژوهش از دانشگاه کمبریج. ترجمه یعقوب آژند. تهران: جامی.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۵۳). «تجارت ابریشم ایران در زمان شاه‌عباس اول». **وحید**. دوره ۱۲. ش ۱ (پیاپی ۱۲۴). صص ۱۱-۱۶.
- _____ (۱۳۷۵). **زندگانی شاه‌عباس اول**. ج ۵. چ ۶. تهران: علمی.

- فلور، ویلم (ترجمه و نگارش) (۱۳۵۶). **اولین سفرای ایران و هلند: شرح سفر موسی بیگ به هلند و سفرنامه یان اسمیت در ایران**. به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان. تهران: طهوری.
- فوران، جان (۱۳۸۳). **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی**. ترجمه احمد تدین. ج ۵. تهران: رسا.
- فومنی، عبدالفتاح (۱۳۴۹). **تاریخ گیلان**. تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۶۶). **آثارالبلاد و اخبارالعباد**. ترجمه عبدالرحمن شرفکندی. تهران: اندیشه جوان.
- کاردان، مهدی (۱۳۸۰). «تاریخچه نوغان و علل بی‌توجهی به آن در گیلان». **گیلان‌نامه** (مجموعه مقالات گیلان‌شناسی). به کوشش جکتاجی. ج ۵. رشت: طاعتی. صص ۱۷۷-۱۹۴.
- کرملی، پادریان (۱۳۸۳). **اسناد پادریان کرملی**. به کوشش منوچهر ستوده. با همکاری ایرج افشار. تهران: میراث مکتوب.
- کرویس، دیرک‌وان‌در (۱۳۸۰). **شاردن و ایران**. ترجمه حمزه اخوان‌تقوی. تهران: نشر فرزانه روز.
- گابریل، آلفونس (۱۳۸۱). **مارکوپولو در ایران**. ترجمه پرویز رجبی. تهران: اساطیر.
- گونسالس د‌کلاویخو، روی (۱۳۶۶). **سفرنامه کلاویخو**. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- لافون (۱۳۷۲). **صنعت نوغان در ایران**. ترجمه و تدوین جعفر خمایی‌زاده. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مارکوپولو (۱۳۵۰). **سفرنامه مارکوپولو**. مقدمه جان ماسفیلد. ترجمه حبیب‌الله صحیحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- _____ (۱۳۶۳). *سفرنامه مارکوپولو معروف به ایل میلیونیه*. ترجمه منصور سجادی و آنجلادی جوانی رومانو. تهران: گویش.
- محمد معصوم (۱۳۶۸). *خلاصه‌السير: تاريخ روزگار شاه‌صفی صفوی*. تهران: علمی.
- نظام‌الدین شامی (۱۳۶۳). *ظفرنامه*. به کوشش پناهی سمنانی. تهران: بامداد.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۷). *روابط سیاسی و اقتصادی ایران صفویه*. تهران: سمت.
- واله اصفهانی، محمد یوسف‌بن حسین (۱۳۸۰). *خلد برین*. حدیث ششم و هفتم از روضه هشتم. ایران زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم. تعلیق و توضیح محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۹). *روابط خارجی ایران*. تهران: امیرکبیر.
- یاقوت حموی، یاقوت‌بن عبدالله (۱۹۵۷). *معجم البلدان*. المجلد الخامس. الطبعه الثانيه لوزین. بیروت: دار صادر.
- Book Reviews, int. J. *Middle East study*.33. United States of America: pp. 291-293.
- Matthee, Rudolph. p. (1999). *The politics of trade in safavid Iran: silk for silver 1600-1730*. Cambridge: Cambridge universitypress.first published.
- _____ (2003). "The politics of trade in safavid iran: silk for silver 1600-1730". Book review by abbas amanat. *Iranian studies*.vol. 36. No.2. Francis: taylor.pp. 284-287.
- McCabe, Ina Baghdiantz. (2001). *The Shah's silk for Europe's silver: The Eurasian trade of the Julfa Armenians in Safavid Iran and India (1530-1750)*.
- Petrushevsky. (1968). *the Cambridge History of Iran*. Edited by J.A. Boyle. Vol.5. Cambridge University.

- Savory. R.M. (1995). "Safawids". *The Encyclopaedia of Islam*. Edited by C.E. Bosworth. E. VanDonzel. W.P. Heinrichs and G. Lecomte. Leiden. Vol. VIII.
- _____ (1980). *Iran under the Safavids*. Cambridge.
- Steens Gaard, Niels. (1973). *The Asian Trade revolution of the seventeenth century*. Chicago.